



جمال شورهچ (فیلمساز)



ابوالقاسم طالبی (فیلمساز)



محمد کاسبی (بازیگر)



شهروای بحرانی (فیلمساز)



پروین شیخ طادی (فیلمساز)



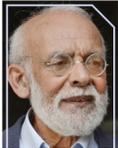
نژاد میرباقری (فیلمساز)



مرتضی شعبانی (استندساز)



پروانه معصومی (بازیگر)



مهدی قفیه (بازیگر)



ابراهیم حکایتی‌کامی (فیلمساز)



فرخ‌الله سلحشور (فیلمساز)



هادی محمدیان (پویانما)



مجید مجیدی (فیلمساز)



شهید آوینی (فیلمساز)



ناصر طالبیانزاده (کارگردان)

با اندکی تأمل در شرایط کنونی کشور و چگالی که در آن زندگی می‌کنیم، به خوبی در می‌یابیم که یکی از نیازهای اساسی فرهنگی و رسانه‌ای ما سینمای دفاع مقدس است. چراکه گرچه حدود ۳۰ سال از پایان جنگ تحمیلی گذشته، اما جامعه ما به واسطه موقعیت برتری یافته، امروز بیش از گذشته هدف هجوم قرار دارد. غرب صلیبی- صهیونی که اقتدار روز افزون جمهوری اسلامی ایران را کابوسی هراسناک می‌داند و در عین حال توان حمله نظامی را نیز ندارد، ابزارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و به خصوص رسانه‌ای خود را برای خاموش کردن منادی اصلی «بیداری اسلامی» به کار گرفته است. واقعیت این است که تهاجم و تحمیل دشمن پایان نیافته، بلکه شکل و شمایل آن تغییر کرده است. کافی است به حجم سخن پراکنی‌ها، فیلم‌ها، سایت‌ها، شبکه‌های ماهواره‌ای، فرقه سازی‌ها، تفرقه افکنی‌ها و سایر فعالیت‌های ضدفرهنگی و رسانه‌ ای دیگری که غربی‌ها طی سال‌های اخیر علیه ایران انجام داده‌اند توجه کنیم تا دریابیم، آنچه ملت ایران با آن مواجه است، یک جنگ عیار و همه‌جانبه است. تا آنجا که بر اساس بررسی‌های اعلام شده از سوی مراکز آمار جهان، حجم جنگ غرب نم علیه ایران در دو سه سال اخیر، از میزان

سینمای دفاع مقدس در جبهه جنگ فرهنگی

سینما سازگار

تهاجم فرهنگی آمریکا علیه بلوک شرق در تمام دوران جنگ سرد بیشتر است.

البته پرواضح است که عملیاتی شدن این جریان تاریگی دارد و حداقل این که تا پنج، شش سال قبل روند تهاجم فرهنگی و جنگ نرم علیه ایران چنین شدتی نداشت. اما هم امام خمینی(ره) و هم رهبر معظم انقلاب در همان روزها و سال‌هایی که جنگ تحمیلی تازه به پایان رسیده بود، بارها این مسئله را هشدار داده بودند. از جمله حضرت امام که فرمودند: «جنگ ما یک عقیده است و تا جغرافیا و مرز نمی‌شناسد…» و با امام خامنه‌ ای که به طور

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که سالهاست- از اول انقلاب و حتی پیش از آن تا کنون- در حوزه مباحث هنری و به خصوص سینما و تلویزیون محل تلاقی دغدغه و نگرانی منتدین بوده بحث حجاب و عفاف است.

همه یک می‌دانیم که همیشه منتدین نسبت به حوزه سینما و تلویزیون به خصوص از منظر و موضع مباحث دینی و تقیادات آیینی و به خصوص بحث حجاب و عفاف، سؤالات و نگرانی‌ها و دغدغه‌هایی متنوع داشته‌اند.اینکه سینما و تلویزیون ما چه تصویری از حجاب و مهتر از آن، عفاف به معنای شادابی ارائه می‌دهد و این تصویر تا چه‌اندازه ملموم از آموزه‌های دینی و تا چه‌اندازه قابل اعتنا و اعتماد است از زمره جدی‌ترین و اصلی‌ترین نکات در این خصوص است.

بگذارید از این‌جا شروع کنیم: تکراری‌ترین و آشناترین تصویر یک زن چادری هم در سینما کدام است؟ قدری به خاطرات و آرشيو ذهنتان فشار بیاورید. خب! پاسخ چیست؟

درست است! شما هم مثل نگارنده یک تصویر آشنا به ذهنتان خطور کرد: تصویر زن بزنگار یا منتهی که برای ادای توضیحات وارد دادگاه می‌شود. این زن یک مشخصه ظاهری دارد: چادر! بله درست است. البته با تأسف و آثار این تصویر آشنا و پربسامد زن چادری در سینمای ما زن و چادر است!

البته نمونه‌های عجیب و غریب دیگری هم هستند که نمی‌دانیم باید به دیده تردید به آنها بنگریم یا موضوع دیگری در کار است. به بررسی این نمونه‌ها در ادامه مطلب خواهیم رسید.

اما تصویری که از زن در سینما- نه تنها سینمای ایران و بلکه سینمای جهان- ارائه می‌شود یا همه تفاوت‌های نسبی و تضادهای گاه و بی‌گاهی که دارد از یک مدل معمولی و دستمای شده همیشگی پیروی می‌کند: تصویری که مبتنی بر ارزش‌های بالای انسانی و اسلامی که در زن مستتر و فطری است؛ بلکه نمایان الکن و ابتر از چیزهایی که سالهاست به خورد مخاطب داده می‌شود. حلالی فرقی هم نمی‌کند که مایه‌های فیزیستی زیبایی و عفاف، غریب متشابه باشد یا نه

سننی به معنای منگی و غلظش در شرق، آبخشورش و تجرر و وایس‌گرایی باشد یا موقوف در دره قهنبیسوم و آزادی مطلق جنسی و نگاه کالابا به زن که دستاورد مهمی(!) در غرب و در برابر هواداران فرهنگ غربی است! اما این همه ماجرا نیست. در واقع شاید بتوان گفت

یک بخش دیگر که در هم تنیدگی مخفی و فریبنده اما اثر گذار از کنار این تشبیه معمول و مألوف و عریان فرهنگی فرهنگ دارد، شیوه‌ای است که در برخی از فیلم‌های سینمایی و سریال‌های نمایش خانگی و نیز به‌ترانه سازی آنگلیسی بی‌گیری می‌شود که البته پیچیده‌تر، فریباتر و حرفه‌ای‌تر و مرموزتر از آن گروه اول است.

شبکه انگلیسی زبان پرس تی وی، وقتی ۱۱ تیر سال ۱۳۸۶ فعالیت خود را به عنوان یک رسانه مستقل برای بخش برون مرزی سازمان صداوسیما آغاز کرد، به گونه‌ای برنامه‌ریزی شده بود که برای مردم مسلمان اروپا و آمریکا برنامه‌های خبری، گزارشی و تولیدی پخش کند. شاید کمتر کسی فکر می‌کرد این شبکه بین‌المللی انگلیسی زبان ایران روزی به یک رسانه مقاومت در مقابله با سلطه رسانه‌های غربی و شبکه‌های ماندن فارسی و انگلیسی‌سی زبان تبدیل شود. برنامه سازی این شبکه در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی، ورزشی، هنری، گفت وگو محور، ترکیبی و…انجام می‌گیرد و شمار اصلی پرس تی وی، نگاهی جدید برای شکست سلطه رسانه‌های گروهی غربی و استکباری است. یکی از محورهای مهم و استراتژیک این شبکه بین‌المللی اسلامی پیرامون مظلومیت فلسطین و تجاوزات رژیم کودک کش صهیونیست علیه فلسطینیان است. از طرفی شبکه پرس تی وی با تولید و پخش برنامه‌های متنوع و جذاب در سراسر جهان تلاش دارد که انسان‌های رسانه‌های استکباری را با تولیدی برنامه‌های روشنگرانه خود برای مردم مسلمان و آزادخواهان در مقابل خود برای مردم مسلمان و آزادخواهان



درباره یک نیاز فرهنگی

هستند. به بیان صریح، پاینده و پویا بودن سینمای دفاع مقدس، می‌تواند سد محکمی در مقابل جنگ نرم جبهه صلیبی- صهیونی باشد. چون این نوع فیلم‌ها به شکلی غیرمستقیم و با مخاطبی انبوه می‌توانند ارزش‌هایی چون ایثارگری، عدالت خواهی، شهادت طلبی، پیروی از ولی فقیه عادل و مقاومت در مقابل فتنه‌های درونی و بیرونی شیطان را به مخاطب خود منتقل کنند و در ذهن و روحش نهادهای سازند.

نکته قابل تأمل این است که در سال‌های پس از دفاع مقدس و گسترش روز افزون فرهنگ رفاه طلب و غریب‌برزه در جامعه، سینمای دفاع مقدس نیز رو به کاهش رفت. اهمیت سینمای دفاع مقدس زمانی گویاتر می‌شود که مشاهده کردیم، سردمداران مدیریت فرهنگی دولت موسوم به اصلاحات که هم اکنون به دام انگلیس پناه برده‌اند، تلاش فراوانی برای سرکوب این نوع سینما نمودند. یعنی می‌دانستند فیلم‌هایی که منتشر کننده فرهنگ و ارزش‌های جهانی در سطح جامعه هستند، مانعی بر سر پیش برد اهداف آنها برای گسترش ایاجه آرزو‌ها و شاخص‌های فرهنگ اسلامی- شیعی- ایرانی



جریان سیاسی که به نام دوم خرداد و اصلاح‌طلب شناخته شدند، سوق دادن مردم و به خصوص جوانان صلیبی- صهیونی باشد. چون این نوع فیلم‌ها به شکلی غیرمستقیم و با مخاطبی انبوه می‌توانند ارزش‌هایی چون ایثارگری، عدالت خواهی، شهادت طلبی، پیروی از ولی فقیه عادل و مقاومت در مقابل فتنه‌های درونی و بیرونی شیطان را به مخاطب خود منتقل کنند و در ذهن و روحش نهادهای سازند.

نکته قابل تأمل این است که در سال‌های پس از دفاع مقدس و گسترش روز افزون فرهنگ رفاه طلب و غریب‌برزه در جامعه، سینمای دفاع مقدس نیز رو به کاهش رفت. اهمیت سینمای دفاع مقدس زمانی گویاتر می‌شود که مشاهده کردیم، سردمداران مدیریت فرهنگی دولت موسوم به اصلاحات که هم اکنون به دام انگلیس پناه برده‌اند، تلاش فراوانی برای سرکوب این نوع سینما نمودند. یعنی می‌دانستند فیلم‌هایی که منتشر کننده فرهنگ و ارزش‌های جهانی در سطح جامعه هستند، مانعی بر سر پیش برد اهداف آنها برای گسترش ایاجه آرزو‌ها و شاخص‌های فرهنگ اسلامی- شیعی- ایرانی

جنگ فرهنگی یک واقعیت است. نمی‌شود انکار و کتمانش کرد یا دست کم گرفت. حقیقت این است که این روزها و در ادامه اتفاقی که طی سال‌های اخیر، خاصه در شبکه‌های اجتماعی رخ داده است، شاهد یک موج مخرب شیطانی علیه دستاوردهای دینی و مظاهر و نشانه‌تر اسلامی هستیم. شاید بدهود گفت سیل این هجوم خصمانه و موج مجازی، پدیده حجاب است.

لزوم برخورد هوشمندانه با ترویج بی‌حجابی

اگر اهل مطالعه تاریخ باشییم به خوبی می‌فهمیم چرا دشمنان اسلام این قدر علیه حجاب دشمنی می‌کنند و سرچا موضوع حجاب تا این‌اندازه برای آنها مهم و حیاتی است. این

این فیلم‌ها عمدتا با ادعای ضدجنگ بودن و نمایش تصویری تیره و نار از فضای جامعه، ایستادگی ملت ایران در مقابل تجاوز بیگانگان را تحقیر می‌کنند. نکته تأمل برانگیز و تأسف آور این است که این گونه فیلم‌ها، در میان آثار جنگی اکران شده در چند سال گذشته، اکثریت را تشکیل می‌دهند.

خواستار یا ناخواستار، آگاهانه یا ناآگاه، سازندگان این نوع فیلم‌ها در مسیر تقدس زایی از مقاومت و نبرد مقدس مردم ایران در جنگ تحمیلی هشت ساله قرار گرفته‌اند. آن هم درست در شرایطی که دشمنان ایران و اسلام در آن سوی مرزها، هجوم خود به مرزهای عقیدتی و فرهنگی جامعه ما را به آوج خود رسانده‌اند. فیلم‌های سیاه جنگی که با تقلید کور کورانه و جاهلان‌ه از روی فیلم‌های ضدجنگ غربی ساخته شده و می‌شوند، به نوعی نقش مکمل برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای ضدایرانی را برای ارزش زایی از دفاع مقدس بازی می‌کنند. زیرا یکی از ترفندهای ثابت و مکررانه این شبکه‌ها این است که هر سال به مناسبت هفته دفاع مقدس برنامه‌هایی شبیه افکن و مخرب را درباره این بخش از تاریخ پرافتخار ایران نمایش می‌دهند. حتی در برخی از این برنامه‌ها، کشور ما به عنوان آغازگر و مسئول اصلی جنگ هشت ساله معرفی می‌شود!

نگاه باب شده در سینمای امروز جنگی ایران یک انحراف بزرگ است که عدم ترمیم آن لطعات فراوانی را در پی خواهد داشت. این انحراف از آنجاست می‌شود که اساسا کشور در آن جنگ در مقام مدافع و مقاوم بود. هم از این رو ارائه نگاه ضدجنگ به مقاومت، نوعی نقض غرض محسوب می‌شود. چنین فیلم‌هایی این‌همه از عدم جنگ دانست، بلکه این آثار ضدمقاومت هستند. یعنی بیداری ملت ایران در جنگ را مخدوش می‌کنند، نه خود جنگ را.

این یک جنای بزرگ به یکی از طلایی‌ترین نقاط تاریخ سرزمین مان است. مقابله بی‌پرومندان‌ه با حمله رژیم بعث عراق به ایران و حمایت دهها کشور ابرقدرت از صدام برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی و تصرف ایران یک افتخار بزرگ است. نمی‌توان با سهل انگاری خود را در غرر غروب زدگی و تقلیل یافتن آرمان گرایی در جامعه می‌دانست‌اند، به صورت برنامه‌ یزری شده و تعمدی، سینمای دفاع مقدس را به حاشیه رانند.

متأسفانه در سال‌های اخیر نیز موج جدیدی در این عرصه پدید آمده که در قالب فیلم‌ها به ظاهر جنگی، سعی در تخریب ارزش‌های انقلابی و دفاع مقدسی دارد.

و پیشرفته‌ترهایی، پاسخ محکمی به دسیسه‌های شیطانی اسرائیل، لشکر غرب را خواهد داد
حالا می‌توان نقطه اتصال موضوع و مقوله اول را با مسئله دوم درک کرد و حساسیت بالا و حیاتی «بازماندی به اتاق فکر»ی که در ابتدای این نوشتار بدان اشاره کردیم و فقدانش را یادآور شدیم مطرح نظر قرار داد.

نگارنده معتقد است مقوله مقابلیه با حجاب اسلامی این تطابق پیچیده و قابل اعتنا و همه‌جانبه و محصولات سینمایی و تلویزیونی ما دارد که مستقیم یا غیرمستقیم و سلبی یا ایجابی به مقوله حجاب، عفاف، چادر و چیزهای دیگری از این دست ورود می‌کنند. یادمان باشد چنین طرح‌هایی تنها در جامعه‌ای

میدان را به حریف واگذار کرد همان طور که نباید در زمین دشمن بازی کرد یا چپنشی که او می‌خواهد و تدبیر کرده به بازی گرفته شد.

اینک بایسته است گوهر حجاب و دستاوردهای بانوان مسلمان که با حفظ عفاف و متانت و دیانت خویش، قله‌های علم و معنویت و پیشرفت را فتح کرده‌اند بیش از پیش به نمایش گذاشته شود.

و یا در همین فضاهای مجازی جنبش نرم «آری به حجاب» یا «بازماندگی» را با حضور جدی و همه‌جانبه و یکپارچه است حزب‌الله، این دسیسه شیطانی دشمنان دین، ختنی گردد، و هزار و یک کار دیگر که اگر دقیق و عمیق ببیندیشیم، می‌توانیم به دستاوردهای خوبی نائل آییم.



شهید رضایی

جایگاه و جلوه حجاب و عفاف در رسانه‌ها

چه سینمایی نقشه‌های شوم را کامل می‌کنند؟!

روژه‌ها در زن مسلمان ایرانی و گوهر حجاب اسلامی با همه‌جای عجیب و پیچیده و به اصطلاح «نرم» روبه‌رو شده است.

تردیدی نیست که مواجهه رسانه‌ای با این عملیات روانی دشمن نیاز به فکر و تدبیر و تقلانیت دارد و با رفتارهای احساسی و شعاری زودگذر، تاثیر این حمله دشمن را بیشتر کرده و در نهایت به بازی کردن در زمین دشمن منتهی می‌شود. جای آن دارد که بیرون راستین اسلام مان و علاقه‌مندان واقعی نهضت حضرت روح‌الله(ره) غیرتمندان‌ه و دلسوژانه، با تأمل و متانت و بصیرت با این موقعیت مقابله کنند و عزم فکری و حرکت جهادی خویش را برای مقابله‌ای روشنگرانه و پیشروانه و نه منفعلانه و سطحی و زودگذر در برابر

این روزها موضوع حمله به حجاب در فضای مجازی موجی تحریبی و شبهه‌افکن درباره حجاب به راه‌انداخته است. این موضوع البته بیشتر وجه سیاسی دارد تا عقیدتی ولی با این حال باید مورد مذاقه قرار گیرد. تاریخ در این میانه می‌تواند واگو‌بها و درس‌های عبرت‌آمیز و اشارات حکمت‌آموز خوبی برای نسل امروز و فردای ما داشته باشد.

جهان افشا کند. همه این تلاش‌های بیش از پانزده ساله فعالیت این شبکه خبری، تحلیلی در سطح جهان شده که عوامل وابسته به رسانه‌های استکباری و غربی که تحمل افشاگری‌های روشنگرانه شبکه پرس تی‌وی را ندارند تلاش کردند تا در مقطع‌های مختلف فعالیت‌های خبری و رسانه‌ای، این شبکه را در فضای مجازی که کاربران بی‌شماری را جذب خود

رسانه بین‌المللی جبهه مقاومت

رو… را در سراسر دنیا پخش می‌کند، در همین حال بارها هم شاهد بودیم که خبرنگاران شبکه بین‌المللی پرس تی وی در بحران‌های جهانی مثل جنگ با تروریست‌های تکفیری در سوریه، جنگ عراق و تحریر آمریکایی‌ها در این کشور، جنگ افغانستان و فرار وحشیانه آمریکایی‌ها از این کشور و بحران‌های افغانستان نیز و تهیه گزارش از بحران‌ها و مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در فرانسه، انگلیس و برخی از کشورهای اروپایی، جنگ اوکراین و… همراه اتفاقات و بحران‌ها بودند. مثل یک رزمنده به ثبت تصاویر از محل بحران‌ها برداختند و برخی از این خبرنگاران در این مسیر به عنوان سربازان جبهه رسانه مقاومت به شهادت رسیدند و برخی هم جانباز شدند. امروز شبکه بین‌المللی پرس تی وی به عنوان یک رسانه جبهه مقاومت به خود می‌بالد که در میان

انبوهی از شبکه‌های سلطه‌ گر غربی و وابسته به استکبار جهانی و شبکه‌های ضائقانقلاب، اخبار درست بهره جستن از خبرنگاران مسلمان، متعهد و انقلابی دشمنان را سرسرسر جهان، تازه‌ترین اخبار از مسائل جهان اسلام، جنایات و توطئه‌های کشورهای سلطه‌گر، مبارزات مردم فلسطین علیه صهیونیست‌ها، مبارزات آزادخواهان داخل و خارج فرانسه، انگلیس و آزادیخواهان فلسطینیان

شبکه بین‌المللی پرس تی وی با همان شعار همیشگی خود که شکستن سلطه رسانه‌های گروهی غربی است در همان مسیر همچنان فعالیت حرکت می‌کند. به همین دلیل هم این حرکت شبکه باعث خشمش شبکه‌های فارسی‌زبان بی‌بی‌سی، ایران اینترنشنال و صدای آمریکا، رادیو فردا، تلویزیون ناخنقین، شبکه ایران فردا و…شده است.

صفحه ۸

شنبه ۲ مهر ۱۴۰۱

۲۷ صفر ۱۴۴۴ – شماره ۳۳۱۲۷

به بهانه انیمیشن سینمایی «پسر دلفینی»

رؤیای فرهنگ‌سازی با پویانمایی

حمیدرضا ندیری

امروزه انیمیشن یکی از پدیده‌های هنری و رسانه‌ای پر کاربرد از سمت سازندگان و پرمرصرف از سوی مصرف‌کنندگان این کالای فرهنگی است. انیمیشن که خود زیرمجموعه‌ای از سینما و سینمای نیز که خود زیرمجموعه‌ای از هنر است، رسالتی دارد و آن رسالت چیزی نیست جز تاثیرگذاری بر احساسات و انتقال مفاهیم، چه بسا بهتر باشد این انتقال مفاهیم در کودکی صورت بگیرد تا در بزرگسالی.

انیمیشن‌ها بر خلاف تصور عموم جامعه همانند فیلم‌های سینمایی و سریال‌ها رده سنی دارند. این رده سنی از سه سال شروع می‌شود و گاه از ۱۸ سال نیز تجاوز می‌کند. اما تصور عامه و البته اشتباهی که وجود دارد، این است که انیمیشن صرفاً برای کودکان ساخته می‌شود و اگر جوان یا بزرگسالی که به بلوغ فکری رسیده، انیمیشن تماشا کند، هنوز کودک است و رشد کافی نداشته‌جای از این که کودکان در وضعیت حساس‌تری نسبت به جوانان و بزرگسالان قرار دارند، ولی همچنان انیمیشن می‌تواند بر افرادی در هر سن و سالی تاثیر بگذارد و طرفداران خاص خودش را دارد.



بسه فرموده پیامبر اکرم (ص). «مَثَلُ الَّذِي يَتَعَلَّمُ فِي صَغَرِهِ كالتَّمَنُّ فِي التَّخَرُّ، وَمَثَلُ الَّذِي يَتَعَلَّمُ فِي كِبَرِهِ كَالَّذِي يَكْتُمُ عَلَي الْعَمَاءِ» پیامبر در این حدیث می‌فرمایند: «حکایت کسی که در کودکی می‌آموزد، همانند نقش کشدن بر سنگ است و حکایت کسی که در بزرگ سالی می‌آموزد، همانند کسی است که بر آب می‌نویسد.»۱
با تفکر در این حدیث متوجه می‌شویم، یادگیری و آموختن چیزی، چه در کودکی و چه در بزرگسالی تاثیر دارد. منتها در کودکی تاثیر بسیار عمیق‌تر و ثابت‌تر از بزرگسالی دارد و یادگیری در بزرگسالی سخت‌تر و فرآیند آن آموزش و یادگیری می‌توانند روش‌های متفاوتی داشته باشند و امروزه در دنیای مدرن بسیاری از آموزش‌ها از طریق انیمیشن و هنر انتقال می‌یابند، چرا که نه؟ وقتی که انیمیشن، خود هنر است و هنر نیز رسالت اثرگذاری و انتقال مفاهیم دارد پس چه بهتر که از هنر انیمیشن برای آموزش استفاده کنیم. همچنین می‌توانیم نگاهی بر در و دیوار هنری امتدمن امروز بیندازیم. دیوارهایی پر از تبلیغات رنگارنگ که همگی با استفاده از ابزارهای دنی و روانشناسی تاثیر خود را می‌گذارند تا چرخ سرمایه‌داری بچرخد ولو به خاطر یک دلار بیشتر…

هنر، ضمن رسالتی که دارد، همانند یک تیغ دو لبه است که هم می‌تواند در راستای اهداف مثبت و انسان‌ساز خدمت کند و هم در راستای اهداف منفی و خاملان‌سوز. امروزه کشورهای متخاصم و استعمارگر غربی، برای فرهنگ ریزدن به فرهنگ ایرانی-اسلامی که دست کم ۱۴۰۰ سال قدمت دارد از ابزار هنر بهره می‌برند. قدرت رسانه‌ای و هنری غرب را، کسی نمی‌تواند انکار کند و اگر انکار کند حماقت کرده‌ا با این حال، تاثیرگذاری غرب، صرفاً برای داشتن این قدرت و مهارت استفاده در ابزار نیست. شهید سید مرتضی آوینی در مورد غرب‌زدگی و تاثیر غرب علیه قابل توجهی دارد: «ضغف‌های خود ماست که زمینه غرب‌زدگی را فراهم کرده، نه قدرت غرب!» با همه این تفاسیر، متوجه می‌شویم که اگر سبک زندگی عموم جامعه غربی شده، یا تاثیر پذیرفتیم یا ضربه‌ای خوردیم، پس علتش ضعف خود ما بوده نه فقط قدرت غرب! یکی از حساس‌ترین و خطرناک‌ترین و تاثیرپذیرترین بخش‌های جامعه که غرب می‌تواند آن را به راحتی هدف بگیرد، کودکان یک جامعه هستند. یک کودک برای گذران زندگی خود، به غیر از نیازهای ضروری‌اش، به غذای ساده و سرگرمی مناسب احتیاج دارد. غرب می‌تواند از همین احتیاج به نفع خود و علیه کودک و جامعه کودک استفاده کند. اگر جامعه کودک نیز دقت کند و زرنگ باشد، می‌تواند برای تربیت صحیح کودک از این احتیاج استفاده کند.

کودکان معمولاً تصاویر رنگارنگ و فانتزی و انیمیشنی را در فیلم‌های جبری، زنده و یا سیاه و سفید قرن بیستم ترجیح می‌دهند. حال باید دند، کودک که به همت فرموده بدیم، چنان تاثیرپذیری دارد که به مانند حک کرک این نوع سنگ است و چنین ذوق و شوقی برای نسبت به انیمیشن‌های جذاب و رنگارنگ، چه واکنشی می‌تواند داشته باشد؟ آیا یک کودک که چندنی بیش نیست وارد این دنیا شده، می‌تواند اصلا واکنشی داشته باشد یا تماماً آوادگی است و تاثیرپذیری و تسلیم؟ کودک را نمی‌توان به این خاطر سرزنش کرد، زیرا کودک در این سن مسئولیتی در قبال خود ندارد و این بزرگان خانواده و مسئولان جامعه هستند که باید پاسخگو باشند.

امروز که غرب سیاه شوم خود را بر همه چیز گسترانده، انیمیشن نیز از این فاعده مستثنا نبوده و غرب توانسته بالاترین استفاده‌های ممکن از انیمیشن در راستای هدف‌گذاری‌های خود ببرد. انتقال و عادی‌سازی انحرافات جنسی همانند هم‌جنس‌گرایی در انیمیشن اخیر بازیلتز (Lightyear) (۲۰۲۲) یا انیمیشنی لوکا (Luca) (۲۰۲۱) یا داستان اسباب‌بازی (Toy Story ۴) (۲۰۱۹) که سر و صدای زیادی در فضای مجازی و حتی خود غرب به پا کردند طوری که حتی مادران آمریکایی نیز صدایشان در آمده؛ یا مثال موعرفش در ایران، انیمیشن‌هایی همچون باربی که مروج سبک زندگی غربی هستند، فلسفه‌های فانی‌انیمه‌های جدید ژاپنی که این اواخر طرفداران بسیاری در دنیا و ایران پیدا کرده و خیل عظیم انیمیشن‌های دیگری که کودکان ممکن است ببینند و تاثیر بپذیرند و ما در خواب غفلت خود بمانیم. حتی نوجوانان نیز، بدون هیچ‌گونه مقاومتی، کاملاً تسلیم مفاهیم داخلی می‌شوند و به دنبال جواب سؤالات و شبهه‌های خود نمی‌روند.

کشورها گاهی اوقات از انیمیشن‌ها برای تربیت نسل جدید و جوان خود نیز استفاده می‌کنند و برای آینده‌ای دور برنامه می‌ریزند. نمونه بارز آن کشور ژاپن و یکی از پیشگامان صنعت انیمیشن و داستان‌های مصور، ژاپن با ساختن انیمیشن‌هایی همچون فیلیاست‌ها که تاثيرش را در اوقات فراغت ژاپن می‌بینیم) و یا ایشار سرنوشت (راجع به فیلیال که از ایران نیز پخش شده) و خیل انیمیشن‌های دیگر که نوجوانان ما از طریق فضای مجازی تماشا می‌کنند، سبک زندگی و اهداف مورد نظر خود را رواج می‌دهند. فرزندزوری بیشتر (به دلیل پیروی جمعیت ژاپن)، مصرف کمتر مشروبات الکلی و زندگی عاری از ششوپت سرکش و بی‌حد و حصر نیز از نمونه موارد ترویج شونده در انیمیشن‌های ژاپنی است. اما این که ما چه زمانی می‌خواهیم از خواب غفلت و لاک دفاعی خود براه شویم، خدا می‌داند.

اخیراً انیمیشنی تولید هنرمندان و متخصصان ایرانی به نام «پسر دلفینی» در ایران و جهان سر و صدا به پا کرده و نشان داده که ما نیز می‌توانیم انیمیشن‌هایی در سطح جهانی با فروش قابل توجه بسازیم. ما هم می‌توانیم انیمیشن‌هایی بسازیم که فانتزی باشند و در عین حال نیز فرهنگ ایرانی-اسلامی را نشان دهند، چرا همیشه دفاع کنیم و پترسیم؟ آیا ما نیز نمی‌توانیم حالت تهاجمی به فرهنگ خود ببخشیم؟ یا این تفاوت که تهاجم ما می‌تواند انسان ساز باشد بر خلاف تهاجم غربی!

این انیمیشن ایرانی، همانند یک ستاره در آسمان خالی و تاریک شب می‌درخشد. آن آسمان خالی از ستاره، حاکی از کمبود تولیدات فرهنگی مناسب در سطح و کیفیت قابل قبول برای کودکان و نوجوانان است. برای دفاع از این حملات فرهنگی جنگ نرم که به واقع خطرناک‌تر از حملات جنگ سخت است، یا باید از محصولات خوب غربی و شرقی استفاده کنیم و با فیلتراسیون و گزینش شدید، خوب‌ها را از بد‌ها جدا کنیم. یا خودمان با فراغ خاطر محصولات خوب تولید کنیم تا فرزندآمانان آینده سالم‌تری داشته باشند. چه بهتر که به جای استفاده دوباره از محصولات خارجی، ضعف خودمان را در خواب غفلت کنیم و همانند صنایع دیگر که می‌توانیم خودکفا بشویم، در ساختن انیمیشن و محصولات فکری و فرهنگی مخصوصاً برای کودکان نیز خودکفا شویم. فرزندان این سرزمین و کودکان، آینده این سرزمین را رقم می‌زنند. مراقب فرزندآمانان باشیم.